

درباره

نظریه آزادی انقلاب اسلامی

www.ketab.ir

سید جواد طاهایی

ستاد شناخت و ترویج اندیشه‌های امام

طاهایی، جواد

درباره نظریه آزادی انقلاب اسلامی / نویسنده جواد طاهایی - تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۴. ۲۴۵ ص.

ISBN: 964 - 335 - 773 - 2

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات قیفا.

کتابنامه: ص. ۲۴۱ - ۲۴۵؛ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸-۱۳۶۹.
۲. آزادی (اسلام)، ۳. ایران - سیاست و حکومت - ۱۳۵۸.
- الف. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س). مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- ب. ستاد شناخت و ترویج اندیشه های امام خمینی (س). ج. عنوان.

۲۹۷/۴۸۳

BP ۲۳۰ / ۱۴ / ط ۱۸ د ۴

م ۸۴ - ۱۶۸۴۵

کتابخانه ملی ایران

کد / م ۱۹۷۶



مؤسسه چاپ و نشر عروج

www.ketab.ir

درباره نظریه آزادی انقلاب اسلامی

نویسنده: سید جواد طاهایی

طرح و نظارت: ستاد شناخت و ترویج اندیشه های امام خمینی (س)

ناشر: چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س))

چاپ دوم: ۱۴۰۳

شمارگان ۵۰۰



101018000100034

درباره نظریه آزادی انقلاب

قیمت:

خیابان انقلاب، بین فروردین و فخر رازی، فروشگاه مرکزی، تلفن: ۶۶۴۰۴۸۷۳ - دورنگار: ۶۶۴۰۰۹۱۵

خیابان انقلاب، تقاطع حافظ، فروشگاه شماره ۱، تلفن: ۶۶۷۰۱۲۹۷

مراکز پخش: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری، فروشگاه شماره ۲، تلفن: ۶۶۹۵۵۷۳۷

حرم مطهر حضرت امام خمینی (س)، ضلع شمالی، فروشگاه شماره ۳، تلفن: ۵۵۲۰۳۸۰۱

کلیه نمایندگیهای فروش در استانها

نشانی الکترونیکی: pub@imam-khomeini.ir

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
یک	سخن ناشر
الف	مقدمه و طرح کلی بحث
۱	فصل اول: آزادی: گریز از اسطوره‌گی
۵	مقدمه
۷	۱. درک آزادی به مثابه ارزشی تاریخی
۱۶	۲. ارزیابی نظریه آزادی لیبرالی
۲۹	۳. نظریه اخلاقی آزادی
۴۳	۴. روایت آریستوکراتیک - محافظه‌کار
۴۳	مقدمه
۷۱	نتیجه‌گیری
۷۵	فصل دوم: امام خمینی: از چالش آزادی تا تأسیس آزادی
۷۷	مقدمه
۸۷	۱. امام خمینی و کلمه آزادی (درآمد)
۹۳	۲. امام خمینی و تعهد به آزادیها در معنای عدم اجبار
۱۰۲	۳. جمع‌شدن آزادی
۱۰۴	الف) ویژگی سیاسی - نظامی
۱۱۱	ب) ویژگی اقناعی

۱۱۹ ظهور سیاست در فضای انقلاب اسلامی	۴
۱۱۹ مقدمه:	
۱۲۱ الف) گامی در درک «سیاست»	
۱۳۰ ب) فرضیهایی دربارهٔ امکانات و عناصر سیاست در تاریخ ایران و انقلاب اسلامی	۱
۱۳۰ ۱. «سیاست» در تاریخ ایران	
۱۳۹ ۲. ظهور و کمال یابی سیاست در رهبری امام خمینی (س)	
۱۳۹ الف) فقدان سیاست در دوران قبل از امام خمینی (س)	
۱۴۳ ۱) فقدان سیاست در عصر قاجار	
۱۴۶ ۲) فقدان سیاست در عصر پهلوی	
۱۴۸ ب) امام خمینی (س) و ظهور سیاست	
۱۵۱ ۵. نظریه سیاست (آزادی) امام خمینی (س)	
۱۵۱ مقدمه:	
۱۵۳ تصور امام از آزادی:	
۱۶۰ الف) اصل هم‌نوایی	
۱۶۳ ب) اصل رهسپاری دسته‌جمعی	
۱۶۷ ج) اصل استمرار (پایداری)	
۱۶۹ د) اصل ستایش دولت	
۱۷۳ ه) اصل فردیت	

۱۸۱ فرجام	
۱۸۴ الف) نتیجه‌گیری: علیه آزادی مدرن	
۱۹۱ ب) راهبرد	

۲۰۳ ضمایم	
۲۰۵ ضمیمهٔ اول	

۲۰۷	ضمیمهٔ دوم
۲۰۷	انقلاب دموکراتیک؛ درآمدی بر گفتگوی امام خمینی (س) و آلکسی دو توکویل
۲۰۷	مقدمه
۲۰۸	۱. دو توکویل: یک محمل نظری
۲۱۰	۲. مسألهٔ دو توکویل
۲۲۱	دو توکویل و معنای دینی یک انقلاب دموکراتیک
۲۳۵	فهارس
۲۳۷	فهرست اعلام
۲۴۱	فهرست منابع

سخن ناشر

انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به رهبری فقیه فرهیخته زمان حضرت امام خمینی (س) تحولی بزرگ و فراگیر در عرصه جهانی و در پایان هزاره دوم میلادی پدید آورد، به گونه‌ای که نگاه و نگرشی جدید نسبت به جهان و انسان و مناسبات گوناگون بشری در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی عرضه داشت. چه اینکه انقلاب صنعتی مغرب‌زمین با رویکرد نفی کارکرد سیاسی و اجتماعی دین و دینداری و انکار نقش و تأثیر کارآمد آن در حوزه زندگی انسان، نگاه خویش را از عالم علیا معطوف به جهان سفلی، و روند زندگی خود را از حیث نظر و عمل محدود به دنیای ملموس و محسوس توجیه نمود و در نتیجه نسبی‌گرایی فلسفی مبنای معرفت‌شناسی، و سکولاریسم و لیبرالیسم اساس مناسبات اجتماعی و اقتصادی، و اومانیزم تکیه‌گاه انسان‌شناسی در فرهنگ مغرب‌زمین گردید. نهایت اینکه انسان را قدرتی خداوندگونه بخشیدند و آدمی را بر عرش اقتدار نشانندند. نظام سرمایه‌داری غرب که بر اساس دنیاگرایی و انسان‌محوری شکل گرفت به انکار هرگونه تأثیر خارج از اراده انسان همت گماشت و دین و معنویت را از حوزه زندگی اجتماعی انسان مطرود ساخت.

از سوی دیگر در تقابل با اندیشه فردگرایانه غرب، مکتب مارکسیسم جوانه زد و با شعار زندگی و اقتصاد سوسیالیستی و جمع‌گرایانه رقابتی جدی در عرصه جهانی با نظام سرمایه‌داری از خود بروز داد.

نقطه مشترک این دو نگرش نفی دین و دینداری در زندگی انسان است، یکی دین را مربوط به گذشته و دوران سنت قلمداد می‌کرد و دیگری آن را افیون توده‌ها و ملتها برمی‌شمرد و در نتیجه هر دو بر ارتجاعی بودن دین تأکید داشته و ناتوانی و سستی آن را

در رابطه با زندگی انسان باور داشتند.

فضای غالب جهانی در عصر جنگ سرد، سیطرهٔ همین دو اردوگاه غرب و شرق بود و حتی جهان اسلام با گرایش به یکی از این دو ابرقدرت، حیات سیاسی خویش را تداوم می‌بخشید و اگر در گوشه‌ای از دنیای اسلام نغمه‌ای دیگر نواخته می‌شد آنچنان کم‌فروغ می‌نمود که در این فضای پرغو غاغم و خاموش می‌گردید.

فریاد حق‌طلبانه ملت مسلمان و غیور ایران به رهبری مرجعیت دینی و زعامت امام خمینی (س) الهایی سخت بر این فضا ایجاد کرد و دنیا را متوجه عظمت این حرکت شگرف نمود. پیروزی این جنبش بزرگ اسلامی که از عمق اعتقادات دینی ملتی مسلمان، آرمانگرا و تکامل‌پو سرچشمه می‌گرفت، بار دیگر این حقیقت را آشکار ساخت که ایمان و اعتقاد دینی برترین سکوی حرکت انسان به سوی رهایی و آزادی و عدالت‌خواهی است به گونه‌ای که پایان قرن بیستم عصر دین و دینداری لقب گرفت.

انقلاب شکوهمند اسلامی ایران بر جهانیان ثابت کرد که نه تنها دین افیون ملت‌ها نیست که پیوند ناگسستنی با روح و روان بشر داشته و همواره می‌تواند بزرگترین حماسه‌ها را بیافریند. قدرت آفرینی و اثرگذاری انقلاب اسلامی در جهان اسلام موجی از بیداری و خیزش در میان مسلمانان به وجود آورد و در عرصه سیاست جهانی رقیبی جدی و تازه‌نفس برای استکبار جهانی محسوب گردید. در حقیقت این حرکت با پشتوانه عظیم فکری و اعتقادی، نگاهی دیگر نسبت به جهان، انسان و مناسبات اجتماعی و سیاسی آدمی در جهان مطرح کرد. کار بزرگ معمار این حرکت سترگ که به استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران منجر گردید این بود که اندیشه دینی و اعتقاد اسلامی را احیا نمود و از پیرایه‌ها و اندیشه‌های انحرافی آراست و از انزوای سیاسی و اجتماعی رهایی بخشید. شناخت انقلاب اسلامی ایران و عواملی که در بروز و تکوین آن دخالت داشت قبل از هر چیز مرهون شناخت منظومه فکری معمار توانمند آن است؛ چه اینکه مکتب فکری و اعتقادی امام که قرآنی ناب از اسلام است می‌تواند ما را در تحقق آرمانها و اهداف بلند اسلامی یاری بخشد و جهان اسلام را در مسیر رسالت واقعی خویش رهنمون سازد.

در راستای این مسئولیت بزرگ، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) همواره کوشیده است تا هر آنچه می‌تواند در کند و کاو مکتب فکری و سیره عملی حضرت امام (س) گره‌گشا باشد، مشمول حمایت‌های خود قرار دهد.

در یک‌صدمین سالگرد میلاد این عطیه الهی، کوشش گردید که رسالت شناخت اندیشه و افکار پویای حضرت امام نهادینه گردد و در برنامه‌های مدون نظام اسلامی تعریف شود. خوشبختانه در ماده ۱۵۹ قانون برنامه سوم توسعه کشور این مهم شکل گرفت و به دنبال آن ستادی مرکب از صاحب‌نظران و اندیشمندان جهت برنامه‌ریزی نسبت به پژوهش‌های لازم در زمینه افکار و اندیشه‌های حضرت امام تعیین گردید که با همیاری و همکاری این مجموعه پاره‌ای از زوایای فکری حضرت امام در عرصه‌های مختلف دینی، اجتماعی و سیاسی به کوشش اهل فکر و نظر، تحقیق و پژوهش گردید تا مورد استفاده و بهره‌برداری علاقه‌مندان آن حضرت قرار گیرد.

امید آنکه شما عزیزان با نظرات نقادانه خویش ما را در رفع کاستیها و کمبودها مساعدت فرمایید چه اینکه هر پژوهشی نه آخرین یافته و نه کاملترین خواهد بود.

یادآوری می‌شود که مجموعه حاضر پژوهشی است که با تأکید و عنایت بر آرا و دیدگاه‌های حضرت امام (س) تبیین گردیده و همانند هر کار علمی بیانگر نقطه‌نظرات و یافته‌های مؤلف و پژوهشگر خواهد بود.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام علی‌رغم اشراف بر کلیت پژوهش، مسئولیت آن را متوجه محقق و مؤلف محترم می‌داند.

انتشار اثر حاضر و مشابه آن از سوی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) به منظور ارائه یافته‌های پژوهشگران در موضوعات مرتبط با انقلاب اسلامی و اندیشه امام خمینی (س) انجام یافته و الزاماً نمی‌بایست به عنوان دیدگاه مؤسسه تلقی شود بلکه انتشار اینگونه پژوهشها بستری است برای بازخوانی مستمر اندیشه و سیره معمار بزرگ انقلاب اسلامی از رهگذر تضارب آرا و اندیشه‌های متنوع صاحب‌نظران.

اثر پیش روی، نمونه‌ای است از دهها اثر پژوهشی که توسط نویسندگان و پژوهشگران محترم در مباحث مختلف و با فراخوان و نظارت و پیگیریهای «ستاد شناخت و ترویج اندیشه‌های امام خمینی» به انجام رسیده است. تلاشهای ارزنده این ستاد مدیون زحمات اعضای محترم ستاد و کمیته‌های مختلف آن، خصوصاً حضرات آقایان: دکتر کاظم اکرمی، دکتر نجفقلی حبیبی، امیر محبیان، حجت‌الاسلام مهدی

مهریزی، دکتر علیمحمد حاضری، سهراب هادی، سید محمود دهنوی، حجت الاسلام سلطانی، دکتر حسن عابدی جعفری، دکتر منوچهر اکبری، دکتر فضل الله کوزه کنانی، مهدی ارگانی، آیت الله اسدالله بیات، دکتر یحیی فوزی، حجت الاسلام قاضی زاده، حجت الاسلام مستوفی و بیش از همه مرهون حُسن مدیریت دبیر محترم و فرهیخته ستاد جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدعلی مقدم می باشد.

حمایتهای بی دریغ مقام تولیت مؤسسه جناب حجت الاسلام و المسلمین سید حسن خمینی و سرپرست محترم جناب حجت الاسلام و المسلمین محمدعلی انصاری و بویژه قائم مقام مؤسسه جناب آقای دکتر حمید انصاری که افزون بر ترغیب و تشویق مداوم با طرح نظرات علمی خود موجبات تقویت ستاد را فراهم آورده اند، همواره زمینه ساز بالندگی روزافزون مؤسسه و سازمانهای وابسته به آن و ستاد ترویج اندیشه های امام خمینی بوده است.

تلاش ارباب قلم و اصحاب اندیشه که زحمت تألیف و تدوین این آثار گرانسنگ را بر خود هموار داشته اند و نیز ناظران گرانقدر که مسئولیت نظارت بر حُسن انجام پژوهش را عهده دار بوده اند، همچنین اوزیابهای عزیز که با دقت نظر و علاقه مندی فراوان بر غنای علمی آن افزوده اند، را صمیمانه سپاس می گویم.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)
ستاد شناخت و ترویج اندیشه های امام

... الفاظ از معانی خودش تهی است. این عصر ما
یک عصری است که الفاظ گفته می‌شود
لکن معنا آن معنا را نمی‌دهد.

مقدمه و طرح کلی بحث

موضوع این کتاب دفاع از انقلاب اسلامی در برابر سلطه ارزشهای فلسفی روشنگری^۱ بر اساس تفکر آریستوکراتیک است. در رأس ارزشهای فلسفی روشنگری، آزادی قرار دارد که ارزشی عام و سراسری است. آزادی یا آزادی مدرن، در قالب لیبرالیسم، ارزشی مسلط و به نوعی اسطوره‌گونه در دوپست سال اخیر بوده است. مرکزیت و اهمیت آزادی به حدی بوده که سایر ارزشهای اساسی دو قرن اخیر مانند عدالت، حاکمیت مردم، دولتهای ملی و غیره همواره در ارتباط نزدیک با ارزش آزادی یا از طریق آن تعریف می‌شد. «آزادی» را می‌توان ارزش ارزشها یا مادر ارزشها در دوران مدرن نامید. آزادی در ایران نیز به عنوان یک آرمان سیاسی بلند و مقدس در تمام ادوار تفکر سیاسی معاصر، مطرح بوده است. کمونیستها، ملیون، لیبرالها و حتی مذهبیین سخت‌آیین، در تعهد ورزیدن بدان تردیدی نداشتند. بنابراین جای تردید نیست که آزادی - با وجود ابهام و کلیت شدید خود - ارزش و مفهوم مسلط در سیاست معاصر ایران در اندیشه و عمل بوده است.

مقوله آزادی بعد از انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ۱۳۷۶ نیز بی‌آنکه تصورات روشنی از آن به دست بیاید، بیش از هر زمان دیگر روتق و رواج و حتی قداست یافت. از این دوران به بعد آزادی در قالب مفاهیم متعددی همچون آرمانی فلسفی و دوربرد، ارزشی سیاسی، روش، مفهوم و غیره مطرح شد.

به مقیاس گسترش و رواج اندیشه آزادی، این احساس در نویسندگان پدید آمد که

هویت و مشروعیت نظام جمهوری اسلامی و فحواها و آرمانهای آن، توسط این ارزش سیاسی مدرن به چالشی اساسی کشیده شده است. به عبارت دیگر احساس شد که مبانی ارزشی انقلاب بزرگ ایران، توسط این ارزش مادر مشروط شده است. در حالی که برمبنای گمانهای آغازین، امام خمینی (س) و تجربه انقلاب در ایران می‌بایستی مبنای سیاسی تعریف آزادی در جامعه پس از انقلاب باشند. به نظر می‌رسد که خود باید توسط انگاره آزادی تعریف شوند. بدین ترتیب آیا آزادی کسوت یک ایدئولوژی را به خود نمی‌پوشد که از سوی قدرتهای جهانی حوزه ابتکارات ملتها و فرهنگهای ملی را محدود می‌سازد؟ آیا اندیشه آزادی لیبرالی با ادعای عمومیت و جهانشمولی خود و نیز با ادعای انحصار حقیقت و از این حیث با مذموم شمردن هر اندیشه و عمل خارج از فضای فکری خود کارکردی افیونی را ایفا نمی‌کند که به تعبیر ریمون آرون در کتاب افیون روشنفکران زمانی مارکسیسم برای روشنفکران فرانسوی ایفا می‌کرد؟ از این نظر تجربه انقلاب و تأسیس جمهوری در ایران، در نهایت هدفی ندارد الا آنکه به تأیید مفهوم عام و جهانی آزادی - مطابق با اندیشه حقوق طبیعی - منجر شود.

بنابراین در برابر آرمان مدرن آزادی که تجربه انقلاب و جمهوری در ایران را به چالشی در سطوح هویت و مشروعیت می‌کشاند، احساس ضرورتی در نویسنده پدید آمد مبنی بر اینکه این جمهوری باید به سخن در آید و از زبان بنیانگذار خود، بدون آنکه در گام اول چندان متعهد به نظریه‌پردازی باشد، با طرح مواضع اصولی‌اش در برابر چالش آزادی، به روشنی بیان کند که حاوی چه تعبیری از آزادی است و در چه نسبتی با آن قرار دارد. وقتی این کار صورت گرفت، یعنی هنگامی که عناصر و ویژگیهای اصولی نگرش امام به مقوله آزادی بیان شد آن جسارت نظری در گام بعدی لازم می‌آید. به عبارت دیگر در این مرحله است که ضرورت تبیین و سازماندهی نظریه آزادی امام خمینی (س) آشکار می‌شود. اهداف سه مرحله‌ای تحقیق حاضر عبارت است از:

۱. تبیین عناصر و معانی مختلف تصوّر امام از آزادی و همچنین تحولاتی که در برداشت امام از آزادی پدید آمد.

۲. سازماندهی نظرات امام جهت تبیین نظریه آزادی، به مدد بصائر تفکر

آریستوکراتیک؛

۳. تبیین «نظریه آزادی انقلاب اسلامی». این اهداف به ترتیب غلظت محتوایی و تحلیلی خود فهرست شده‌اند.

نیل به این اهداف سه‌گانه مستلزم کوششی نظری برای قداست‌زدایی از مفهوم آزادی در مقام یک ارزش جهانی مسلط بوده است که در فصل اول بدان پرداخته می‌شود. می‌بایست در ابتدا روشن شود که آزادی یک ایدئولوژی است؛ زیرا با داعیه‌های جهانی خود کارکردی بازدارنده و محدودکننده در قبال این حق ملتها ایفا می‌کند که بخواهند به شیوه خود خوشبخت باشند و شیوه خاص خود را برای هر نوع آغازگری دسته‌جمعی بپوبند. فصل اول تحت عنوان «رهای از اسطورگی» عمدتاً به نقد نظریه لیبرالی آزادی - آزادی مدرن - به عنوان یک ابر روایت می‌پردازد و سعی می‌کند نشان دهد که ادعاهای آن از لحاظ اخلاقی نادرست، از لحاظ فلسفی تنک‌مایه و ضعیف و از لحاظ سیاسی غیرسازنده و مخرب است.

فصل اول - که ترجیح می‌دادم آن را «علیه آزادی» بنامم - صرفاً به طرح اتهاماتی علیه آزادی لیبرالی اختصاص ندارد، بلکه به نظریه اخلاقی یا فلسفی آزادی نیز توجه دارد. در این فصل، روایت فلسفی آزادی به مثابه واکنشی ناکام به هژمونی نظریه آزادی لیبرالی تصویر می‌شود که می‌کوشد تا از انبان تأملات و فلسفه‌سازیه‌های کلاسیک، نارساییهای نظری و نتایج عملی آزادی مدرن را اصلاح نماید. در این فصل بیان می‌شود که این روایت - روایت دوم آزادی - به دلیل کلیت، عدم توجه به شرایط ملی متفاوت و همچنین قرارگرفتن در آسمان تعلقات انتزاعی، علاوه بر آنکه در بازنمایی نارساییهای تفکر لیبرالی آزادی که هدف آن بود، ناکام مانده است، عملاً نیز به تقویت مبانی فکری آزادی لیبرالی منجر شده است. فصل اول همچنین به طرح یک نظریه کاملتر و به لحاظ عملی واقعی‌تر می‌پردازد (نظریه سوم).

نظریه فوق برای مطالعه حاضر حکم نظریه محمل یا چهارچوب نظری را دارد. نظریه عمومی آریستوکراتیک - محافظه‌کار، در واقع نظریه متفکرانی همچون مونتسکیو، دو توکویل و بعدها الی هاله وی و در زمانه ما ریمون آرون می‌باشد. چنانکه

خواهیم گفت این راهیابی با تأکید بر اولویت امر سیاسی بر امور دیگر، حاوی امکاناتی برای پرهیز از کلیت و ابهام و نیز عدم کارآیی نظریه فلسفی آزادی در سطح ملی از یک سو و نتایج مخرب نظریه آزادی لیبرالی برای حیات ملی جوامع از سوی دیگر است. این نظریه با توجه به اهمیت سیاست در جوامع خاص به این پرسش محوری می‌پردازد که آیا می‌توان مقوله آزادی مدرن یا آزادی لیبرالی را در کلیت و وحدت خود درک کرد و در صورت درک آن، آیا می‌توان آن را مفید و دارای کاربرد دانست؟ یا آنکه بالعکس، آزادی مفهومی صرفاً تاریخی است که حاوی اشاره‌ای کلی به مجموعه بی‌پایانی از آرزوها و اراده‌های مختلف در افراد مختلف و نحوه‌های متفاوت شکل‌پذیری آنان می‌باشد که پذیرای هیچ‌گونه جامعیت نظری نمی‌باشد؟ داوری‌ای که در این فصل به مدد راهیابی ریمون آرون صورت می‌گیرد آن است که آزادی کلیتی پرشکوه و جذاب است و نیز شکل‌پذیری بی‌حدی دارد و بنابراین ممکن نیست که در صورت کلی خود بتواند هدف آزادیخواهی ملت‌های مختلف و گروه‌های انسانی کوچکتر داخل آنها قرار گیرد. اصولاً هر مورد و مثال موفق از تحقق آزادی، حاصل بهره‌مندی آن از منابع درونی و ملی خود و استغنا از کلیت ایدئولوژیکی و دکترینی آزادی است. همین منابع و مبادی درونی است که مسیرهای آتی و شیوه‌های عمل آن تجربه موفق از آزادی و سرانجام، خصلت و ماهیت آن را تعیین خواهد کرد. هر تجربه گسترده و موفق از آزادی، چنانکه خواهیم دید، «سیاست» نام دارد. در واقع نظریه آریستوکراتیک - محافظه‌کار همسو با این تفکر «هردری» نیز هست که هر ملتی حق دارد تا روح فردی یگانه خود را در اجتماع خاص خود تجسم بخشد. هنگامی که حقانیت تفاسیر خاص و ملی از آزادی - تکثر قومی - را به عنوان یک اصل بپذیریم و آن را امری ناگزیر و محتوم بدانیم دیگر جای قابل تأکیدی برای باور داشتن به وحدت جهانی و یگانگی مفهوم آزادی باقی نمی‌ماند. در این صورت به گفته کرنستون «آزادی» به «آزادیها» شکسته می‌شود. اما آیا این آزادیهای خاص و متفاوت و وابسته به قلمروهای خاص سیاسی، دیگر می‌توانند «آزادی» باشند؟ خیر. اثبات اینکه آزادیها، آزادی نیستند و رابطه آنها رابطه واقعیت با تخیل می‌باشد، یک هدف مهم این گزارش است. آزادیها چه نام و عنوان

مشخص‌تری باید داشته باشند؟ روشن است که آنها دیگر از جنس آزادی انتزاعی نخواهند بود که به انسانی نامشخص و با هویتی جهانی (مطابق با اندیشه حقوق طبیعی) ارجاع دارد. وقتی آزادی به عنوان یک تصور واحد و منسجم به آزادیها تبدیل شود، در واقع به حقوق سیاسی خاص فرد در جوامع خاص تبدیل شده است؛ حقوقی که یکسره متفاوت از «حقوق بشر» انتزاعی می‌باشد. این حقوق نه حقوق بشریت بلکه حقوق افرادی مشخص و متمایز است که تنها در قالب هویت‌های ملی یا قومی جداگانه‌ای می‌توانند وجود داشته باشند.

به طور کلی فصل اول سه مرحله استدلال را طی می‌کند: ابتدا علیه وحدت مفهومی و یکپارچگی فلسفی آزادی مدرن استدلال شده و بر خصلت تاریخی آن - زمانمندی و مکانمندی ایده آزادی - تأکید می‌شود. سپس وزانت عقلی باور به «آزادیها» به جای آزادی موضوع بحث قرار می‌گیرد و سرانجام اصطلاح آزادیهای فردی نیز خود به نفع «حقوق قانونی فرد» که دارای مشخص ملی و غیر قابل اندراج در یک نظریه عمومی از آزادی می‌باشد، نسخ می‌شود.

با اتکا بر این چهارچوب نظری به فصل دوم می‌رسیم. هدف کلی در فصل دوم آن است که شاخصهای نظریه آریستوکراتیک - محافظه کار آزادی با رهیافتهای عملی و برداشتهای امام خمینی (س) از آزادی تطبیق داده شده و نتیجه‌گیری شود. در این فصل ضمن بررسی ویژگیهای کاربرد واژه آزادی از سوی امام خمینی (س) و مراحل و تحولاتی که استعمال لفظ آزادی در گفتار ایشان می‌یابد، بیان می‌شود که چگونه نظریه گسترده آریستوکراتیک - محافظه کار توضیح‌پدیدارشناسانه و شکل خوبی از «واقعیت» آزادی در انقلاب ایران و «ایده» آزادی در گفتار امام خمینی (س) را ممکن می‌سازد. در این مسیر بیان می‌شود که چه سان امام خمینی (س) بی آنکه از دامنه وسعت و عمومیت ارزشهای انقلاب اسلامی بکاهد، مطابق با نظریه آریستوکراتیک آزادی، تصویری مبتنی بر قلمرو سیاسی یعنی ملی، غیر انتزاعی و خاص از آزادی دارند و چگونه آن را در عمل، یعنی در مرحله دولت‌سازی، حقوق قانونی و مشخص فردی بر جای مفهوم انتزاعی آزادی نشانده و چگونه آزادی را به همان حقوق فردی - مصوب یا عرفی - ارجاع

می دهد. این نظریه داعیه‌ای متواضعانه دارد، یعنی اگر چه درک ملی از انقلاب ایران را عمیق می سازد اما لزوماً نافی و منکر جهان‌گرایی معنوی و دینی انقلاب نیست. قلمرومندی و محدود بودن، قانونی و مصوب بودن، عینی و انضمامی بودن، بخشهای کم اهمیت تر نظریه آزادی امام خمینی (س) است که توسط رهیافت آریستوکراتیک روشن می شود. بخش حساس تر نظریه آزادی امام خمینی، کاملاً مطابق با رهیافتهای آریستوکراتیک و مخصوصاً راهیابی توکویل، ابتدائاً آن است که فرد غیر قابل تقلیل به جامعه یا گروه است و سپس آنکه این فردیت اصیل و بی انباز در حین انقلاب و پس از آن، خیلی سریع با معنایی جمعی از آزادیخواهی قرین می شود و به عبارتی با سخن پدران اندیشه آریستوکراتیک که اوج آزادی فرد را در خرسندی و شادکامی ناشی از عضویت در جامعه کل می دانستند، مطابقت می یابد.

این آزادیخواهی جمعی شونده و با جامعه کل ممزوج شده، محصول عمل دسته جمعی افراد آزاد است که به اندازه خود افراد آزاد محترم است. تأسیس جمهوری به عنوان یک محصول دسته جمعی که از تعامل آزادانه افراد آزاد ناشی شده باشد در تعبیری توکویلی، تأسیس آزادی است. تأسیس آزادی بدان معناست که حسی از یک خلاقیت دوران ساز به منظور تداوم یافتن، خود را در نهادها و روندهای قانونی متجسم می سازد. آزادی نهادین، یعنی آزادی متبلور در روندهای قانونی، تأسیسات حقوقی، رفتارهای پذیرفته شده و خلاصه انواع تفاهمات قانونی یا عرفی که در داخل یک قلمرو سیاسی اختلافات و گوناگونیها را پوشش می دهد و نام آن، عمدتاً براساس اندیشه‌های سیاسی کلاسیک، سیاست Politics است. سیاست همان آزادی نهادین و آزادی نهادین همان سیاست است. از این روست که آزادی از نظر امام خمینی (س) در پرتو تجربیات انقلاب اسلامی و تحولات آن، به نفع سیاست نسخ می شود. به عبارت دیگر، تصور و برداشتهای امام از آزادی، خود را در تعهد به نهادها و قوانین برآمده از رهسپاری دسته جمعی ملت ایران جای می دهد.

در فصل دوم، یک گام اساسی آن خواهد بود که نشان داده شود که ویژگیهای سیاست در گفتار امام خمینی (س) و در فضای انقلاب اسلامی وجود دارد: تصور امام از

آزادی، توسعه‌پذیر و گسترش‌یابنده است و کل جامعه ایرانی و مهم‌تر از آن، گذشته و تاریخ آن را به موضوع و سوژه خود تبدیل می‌کند. تصور امام از آزادی - چنانکه خواهیم دید - از آن رو قابل مقایسه با مفهوم کلاسیکی سیاست است که سیاست نیز در معنای کلاسیک خود و در معنایی که جوامع عمدتاً انگلیسی‌زبان کنونی می‌نمایانند، به تعاملات فعالانه افراد آزاد در قلمرو یک حاکمیت عالی اشاره دارد. از این حیث آن فرضیه کلی‌ای که در صدد تقویت آنیم این است که نظریه آزادی امام خمینی (س) در نهایت نظریه سیاست ایشان است و برداشتهای امام از آزادی خصوصاً در مرحله پس از پیروزی انقلاب یعنی مرحله دولت‌سازی، کسوت سیاست به خود می‌پوشد؛ البته این فرضیه در متن کتاب به صورت تفصیلی‌تر مورد بررسی قرار خواهد گرفت. سیاست در بیان کارل یاسپرس، هانا آرنت و سلسله‌ای از اندیشمندان که فکر سیاسی‌شان تا به ارسطو امتداد می‌یابد همانا آزادی استعلا یافته‌ای است که حرکت رو به جلوی جوامع و تمدنها را ممکن می‌سازد؛ آزادی‌ای که در نهادسازها و تفاهمات منعکس می‌شود و به این نحو تداوم می‌یابد. خواهیم دید که فکر آزادی در نزد امام نیز به سرعت نهادین و در عین حال جمعی می‌شود.

بدین ترتیب می‌توان گفت که نظریه آزادی امام خمینی از خصلت انتزاعی موجود در اندیشه مدرن آزادی جدا می‌شود و به آستانه سیاست می‌رسد و به عبارتی بر اجتماع پویای متشکل از افراد آزاد و دارای فردیت معتزز (منظور موجودیت تاریخی ایران است)، و بر تکریم دستاوردهای عمل جمعی آنان یعنی انقلاب اسلامی، تأکید می‌نماید. دستاوردهای عمل دسته‌جمعی ایرانیان یا انقلاب آنان شامل چه مواردی است؟ ظهور فردیت مدرن و نیز احیای فردگرایی سنتی ایرانی که این مطالعه بر اهمیت آن تأکید بسیار خواهد داشت. فوران و غلظت احساس ملی ایرانی، افزایش تمایلات مشارکتی و اعتراض مدنی، میل همگانی به پیوند ارزشهای سنتی و مدرن، مشروطیت نسبی دولت به اراده عمومی، در کنار گونه‌ای تداوم و استمرار اقتدارگرایی مقدس و مردم‌گرایانه ایرانی - آیین شهریار - از جمله مواردی هستند که مجموعاً و روی هم‌رفته توانستند فضایی از سیاست در جامعه ایرانی خلق نمایند. امکان ظهور یا زایش آزادی در قالب

سیاست، امکانی واقعی است که معجزه انقلاب اسلامی آن را خلق کرده است. ارزشهای جدید یا احیاشده، مایه‌هایی برای خلق گونه‌ای آزادی انضمامی، مستقل از تقدّم نظریات کلان، معنویت‌گرایانه و خلاصه بر حسب شرایط ایران جدید و انقلاب اسلامی، سیاست جدید انقلاب اسلامی را فراهم می‌کنند. این مایه‌های توأمان خداوندگرایانه و نورگرایانه سیاست جدید در ایران، به تمامی در گفتار انقلابی سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ و بیش از آن در گفتار دولت‌سازانه سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ موجود است. گفتار امام خمینی (س) آینه تمام‌نمای تجربه انقلاب در ایران است. بر این اساس است که می‌توان گفت که نظریه آزادی امام تا حد زیادی همان نظریه آزادی انقلاب اسلامی است.

بر اساس دو مرحله گفتار امام خمینی (س) استدلال خواهد شد که تلقی امام از آزادی، یک تلقی جامع‌گرایانه و همراه با پویش معنوی اجتماع ایرانی است. در بیانی روشن‌تر می‌توان گفت که برداشت امام از آزادی یک تلقی مثبت و گونه‌ای اجابت امر ضروری است. به علاوه این آزادی دو نهایت در خدمت بندگی حق تعالی است و بنابراین ارتباط بیشتری با تقید یا تکلیف درونی افراد دارد تا حقوق آنها.^۱ این آزادی، مفهومی پیشینی و ماقبل وجود یا مقدم بر عمل نیست و اصولاً در چهارچوب انقلاب اسلامی و دولت آن معنا پیدا می‌کند. از این رو این آزادی قابل استنتاج از هیچ نظریه سیاسی عام و فراگیری نیست، بلکه امری ملی، عملی و معطوف به واقعیت است. معطوف به زایش و آفریننده بودن، همان تلقی مثبت از آزادی است که به خلق نهادهای سیاسی و هنجارهای اخلاقی و تمایل به تأسیس‌گری حقوقی می‌انجامد.

دیدگاه و نظریه امام در خصوص آزادی، دیدگاهی کمابیش انقلابی و ضد گرایشهای موجود است؛ زیرا بر اساس آن، این انتقاد را می‌توان مطرح نمود که در نظر امام خمینی (س) ایمان فلسفی یا شور ایدئولوژیکی موجود در خصوص آزادی، امکان ظهور آزادی به عنوان امری انضمامی یا عینیت‌یافته در جامعه ایرانی را به زوال می‌برد. به بیانی دیگر شوق و باورهای دکترینی در خصوص آزادی که مدتهاست در جامعه

ایرانی طیران آن دیده می‌شود، امکان زایش هر نوع روایت اصیل، ایرانی و تجربه‌شده از آزادی را - امکانی که به مدد انقلاب اسلامی فراهم آمده - منتفی می‌سازد.

در هر حال اگر گفتار امام خمینی (س) را ملاک قرار دهیم، رهسپاری دسته‌جمعی ایرانیان آزاد و فردگرا (یعنی ظهور انقلاب) برای تأسیس دولتی دینی، فرا رفتن از مفهوم انتزاعی آزادی لیبرالی و به ظهور رساندن سیاست را شامل می‌شود. یک طنز بزرگ این است که «سیاست» در دوران پس از انقلاب، به رغم اشتها و کاربردهای وسیع خود، در محافل علمی کشور متأسفانه به خوبی درک نشده است. از این رو ضرورت داشت که در فصل دوم به معرفی خلاصه‌ای از «سیاست» برای کسب آشنایی با آن بیشتر بپردازیم و مهم‌تر از آن لازم بود نشان داده شود که «سیاست» در تاریخ اجتماعی ایران چندان هم بدون زمینه‌های مساعد واقعی نبوده است. در این زمینه، مباحث کوتاه و برانگیزاننده‌ای در کتاب ارائه شده است.

در ادامه بیان می‌شود که ویژگیها و عناصر سیاست در تاریخ اجتماعی ایرانیان همواره در روابطشان وجود داشته، اما عاری از ارتباط سازمان‌یافته با نهاد دولت در ایران بوده است. عظمت ظهور امام خمینی (س) به عنوان بنیانگذار سیاست جدید در ایران، هنگامی به طور کامل درک خواهد شد که در نظر بگیریم امام خمینی (س) عناصر و موادی از سیاست را که در تاریخ ایران موجود اما غیرمتبلور بود تأسیسی و نهادین نمود تا تعیین‌کننده رفتارهای دولت و خط مشی‌های آن باشد. از زمره عناصری که همواره در تاریخ ایران موجود بود و در طی انقلاب سرزندگی یافت، می‌توان به آزادیخواهی شدید، تفرّد برجسته، ظهور ابتکارات و خلاقیتها اشاره نمود که این موارد در کنار وحدت اراده بی‌سابقه‌ای تجلی یافته است. ظهور امام خمینی (س) مقارن با ظهور مجدد این عناصر بوده است؛ از این رو می‌توان گفت که امام خمینی (س) یک فحوای تاریخی را در کنار برخی تازگیها در زمانه‌ای خاص مستقر و مجسم نمود.

در مقام نتیجه‌گیری می‌توان گفت که فکر آزادی در نزد امام خمینی (س) به نحوی که بیان شد از منابع تاریخ ایران تغذیه و سپس استعلا یافته است و در قالب «سیاست جدید انقلاب اسلامی» نیز تبلور تازه‌ای می‌یابد. در فضای سیاست جدید پس از انقلاب

می بینیم که خیزشهای «سیاسی» ایرانیان، گویی سکونی در تقدیر خویش ندارد و هر بار تحول اجتماعی شان که به ترکیبی دینی - انقلابی و نیز عدالت طلبانه جمع گرایانه دارد، ناظران را به اعجاب وامی دارد.

اشاره داشتیم که این کتاب به دفاع از انقلاب اسلامی در برابر سلطه فکری - اخلاقی ارزشهای روشنگری اختصاص دارد. اینک با توجه به اینکه انقلاب اسلامی عناصر قدرتمندی از تاریخ ایران را در خود دارد و قطع نظر از جنبه های دیگر، تولید تاریخی جامعه و فرهنگ ایران نیز می باشد، مایلیم این کتاب را دفاعیه ای از ایران تاریخی در برابر مدرنیسم (نظریه ایجاب گر بودن اقتضانات دوره مدرن) نیز معرفی نمایم.